

چرا آمریکایی‌ها از رئیس‌جمهور زن استقبال نکردند؟

در حالی که در آمریکا، زنان به‌طور فزاینده‌ای در سطوح مختلف جامعه حضور دارند، اما در عرصه‌های سیاسی و مدیریتی، حضور آنها همچنان محدود است. این موضوع را می‌توان به دلایل متعددی از جمله تفاوت‌های فرهنگی، ساختارهای سازمانی و نقش‌های سنتی جنسیتی نسبت داد. در این مقاله، به بررسی دلایل این پدیده و راه‌های بهبود وضعیت زنان در عرصه‌های مدیریتی و سیاسی خواهیم پرداخت.

به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین موانع، فرهنگ مردسالارانه ای است که به شکل ضمنی در بخش‌هایی از جامعه آمریکا حاکم است. این فرهنگ به طور تاریخی بر نقش‌های جنسیتی تأکید دارد و به طور ناخودآگاه زنان را به عنوان رهبران سیاسی کمتر جدی می‌گیرد. بسیاری از مردم هنوز هم به طور سنتی به نقش‌های زنانه و مردانه نگاه می‌کنند و تصور می‌کنند که زنان باید در نقش‌های حمایتی و خانوادگی باقی بمانند. این نگرش‌ها می‌تواند بر روی تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی تأثیر بگذارد و مانع از رأی دادن به یک نامزد زن شود.

بسیاری از زنان نیز، مانند مردان، تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی هستند که مانع اصلی رای دادن به کاندیدای زن می‌شود. این کلیشه‌ها، زنان را کمتر شایسته نقش‌های مدیریتی و رهبری می‌داند، به‌خصوص در نقش‌هایی که نیاز به قدرت، اقتدار و تصمیم‌گیری‌های سریع و قاطع دارند نکته در خور توجه اینک، حتی بخش بزرگی از زنان نیز بر این کلیشه‌های جنسیتی تأکید دارند که مردان برای رهبری و تصمیم‌گیری‌های مهم شایسته‌تر هستند و به همین دلیل گرایش کمتری از سوی زنان در جامعه آمریکا نسبت به کاندیداهای زن وجود دارد.

در بیشتر جوامع دنیا از جمله آمریکا، فرهنگی حاکم است که در آن زنان به حمایت از مردان در رقابت‌ها تشویق می‌شوند، به‌ویژه اگر آن مردان در موقعیت‌های رهبری و مدیریتی باشند. این فرهنگ، زنان را به سمت حمایت از مردانی که در رقابت‌های سیاسی حضور دارند سوق می‌دهد و باعث می‌شود که زنان به‌جای حمایت از زنانی که در موقعیت رهبری قرار دارند، به مردان رأی دهند.

علاوه بر باورهای فرهنگی، موانع اجتماعی نیز وجود دارند که بر روی پذیرش یک رئیس‌جمهور زن تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، رسانه‌ها معمولاً زنان را به گونه‌ای متفاوت نسبت به مردان پوشش می‌دهند.

زنان ممکن است مورد انتقادهای بیشتر و قضاوت‌های ناعادلانه و تحقیر امیز قرار گیرند که به جنسیت آن‌ها مربوط می‌شود. این نوع پوشش رسانه‌ای که عموماً جنسیت زن را نشانه می‌رود و با تمسخر و تحقیر جنسیتی همراه است، این طرز تلقی که سیاست جایگاه زنان نیست را به شدت تقویت می‌کند و باعث می‌شود رأی‌دهندگان در مورد زنان با ملاحظات بیشتری نسبت به کاندیدای مرد واکنش نشان دهند.

بدیهی است که در طول تاریخ آمریکا، تعداد زنان موفق در سیاست به مراتب کمتر از مردان بوده و این موضوع منجر به کمبود الگوهای موفق و مؤثر زن در سیاست شده است. بسیاری از شهروندان هنوز معتقدند که مدل‌های موفق زن در سیاست به اندازه کافی وجود ندارد، و این واقعیت می‌تواند باعث تردید و احتیاط آن‌ها در حمایت از کاندیداهای زن شود.

در برخی موارد، احساس رقابت یا حسادت زنانه نیز می‌تواند تأثیر غیر مستقیمی بر روی انتخاب کاندیدای زن داشته باشد بطوریکه زنان به‌جای حمایت از کاندیدای زن، به مردان رأی بدهند. اگرچه این موضوع همیشه درست نیست و نمی‌توان آن را برای همه زنان تعمیم داد، اما این عامل روانشناختی را نمی‌توان نادیده گرفت.

با وجود پیشرفت‌هایی که در زمینه حقوق زنان و فرصت‌های برابر در سیاست ایجاد شده است، اما هنوز هم جامعه آمریکا به طور کامل آمادگی پذیرش یک رئیس‌جمهور زن را ندارد. بنظر می‌رسد موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همچنان وجود دارند و این شرایط باعث می‌شوند که زنان کمتر از مردان در موقعیت‌های رهبری قرار گیرند و در نتیجه، جامعه کمتر با ایده رهبری زنانه آشنا شود.

***مصطفی آبروشن / جامعه شناس**